

The Comparison of Attribution Styles and Belief in Just World between Neuroticism, Extraversion Personality Traits and Normal Individuals

H. Baharlu Hooreh

MA. In General Psychology, Semnan University, Semnan, Iran

*** P. Sabahi**

Assistant professor of psychology, Semnan University, Semnan, Iran

P. Rafienia

Assistant professor of psychology, Semnan University, Semnan, Iran

Abstract:

The aim of present research was to compare attribution styles and belief to just world in extraversion, neuroticism and normal people. For this purpose three groups include extraverted, neurotic and normal were selected by simple random sampling method from Semnan University students and answered to attribution styles questionnaire, belief in a just world for self and others and NEO-FFI. Data was analyzed with multivariate analysis of variance. Findings indicated that there are significant difference in internal negative, internal positive and total positive attribution styles among normal and neuroticism. Also findings showed that there are significant differences in internal positive, stable positive, general positive and total positive attribution styles among extraverted and neurotic individuals. About belief in a just world (for self and others), there was significant differences between groups. According to findings, it can be concluded that people of groups tend to use different attribution styles and show different rate of belief in a just world and in this way are adjustment with their life events.

Key words: belief in just world for self, belief in just world for others, attribution styles, neuroticism, extraversion.

پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری (علمی- پژوهشی)

سال هفتم، شماره اول، پیاپی (۱۲)، بهار و تابستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۲

صص: ۳۵-۴۹

مقایسه سبک‌های اسناد و باور به دنیای عادلانه بین افراد روان‌رنجورگرا، برون‌گرا و عادی

حوریه بهارلو هوره^۱، پرویز صباحی^{۲*}، پروین رفیعی‌نیا^۳

۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

h_baharlu@yahoo.com

۲- استادیار روان‌شناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

p_sabahi@semnan.ac.ir

۳- استادیار روان‌شناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

P_rafieinia@semnan.ac.ir

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه سبک‌های اسناد و باور به دنیای عادلانه در افراد روان‌رنجورگرا، برون‌گرا و افراد عادی بود. بدین منظور با استفاده از طرح پژوهش علی - مقایسه‌ای، سه گروه ۳۰ نفری از افراد روان‌رنجور، برون‌گرا و عادی از میان دانشجویان دانشگاه سمنان با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌های سبک‌های اسناد (پیترسون و سلیگمن، ۱۹۸۴)، باور به دنیای عادلانه برای خود و برای دیگران (ساتون و داگلاس، ۲۰۰۵) و فرم کوتاه نئو (مک‌کری و کاستا، ۱۹۸۹) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره تحلیل شد. یافته‌ها میان سبک‌های اسنادی منفی درونی، مثبت درونی و مثبت کلی بین افراد روان‌رنجور و عادی تفاوت معناداری نشان داد. همچنین نتایج، بیانگر آن است که بین افراد برون‌گرا و روان‌رنجور به لحاظ سبک‌های اسنادی مثبت درونی، مثبت باثبات، مثبت عمومی و مثبت کلی تفاوت معناداری وجود دارد. در رابطه با باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران بین هر سه گروه عادی، روان‌رنجور و برون‌گرا تفاوت معناداری وجود داشت. با توجه به یافته‌های پژوهش نتیجه‌گیری می‌شود که افراد با گرایش‌های شخصیتی برون‌گرا و روان‌رنجورگرا به استفاده از سبک‌های اسنادی متفاوتی تمایل دارند و همچنین میزان متفاوتی از باور به دنیای عادلانه را نشان می‌دهند و از این طریق خود را با وقایع زندگی سازگار می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های اسناد، باور به دنیای عادلانه برای خود، باور به دنیای عادلانه برای دیگران،

برون‌گرایی، روان‌رنجوری..

مقدمه

یک باور عمومی را دربارهٔ عادلانه بودن دنیا برای دیگران^۵ و هم یک باور فردی و منحصر به فرد را دربارهٔ منصفانه بودن دنیا برای خود شخص^۶ دربرمی‌گیرد (تود، لودمیلا، کرایج و شلدون^۷، ۲۰۱۳).

از نظر والستر (۱۹۶۶) مردم به چنین باوری نیاز دارند تا از خودشان در برابر وقوع رویدادهای ناگهانی زندگی حمایت کنند. برای قضاوت دربارهٔ دلیل بروز حوادث، افراد به دو طریق عمل می‌کنند: یکی زمانی که فرد در برابر حادثه احساس مسئولیت می‌کند و آن را پیامد رفتار شخصی و بی‌دقتی خودش می‌داند و دیگری زمانی که فرد علاوه بر پذیرش مسئولیت رفتار خودش از یک معیار اخلاقی نیک و بد برای قضاوت دربارهٔ آن رفتار استفاده می‌کند.

مانسو و اسپیتزبرگ^۸ (۲۰۰۸) معتقدند به طور طبیعی هر فردی به دنبال کشف علل بروز رفتارها و وقایع است؛ زیرا می‌خواهد با تفسیرهای خود دنیای اطرافش را درک کند. این دلیل‌یابی‌ها در روان‌شناسی اجتماعی با عنوان «اسنادها»^۹ بیان می‌شود. چنین گفته شده است که سبک اسناد، چهارچوبی خوش‌بینانه یا بدبینانه به منظور تبیین پدیده‌ها ارائه می‌دهد (علی بالایی، ۱۳۹۳). اسنادها با متغیرهای روان‌شناختی زیادی رابطه دارند که یکی از آنها ویژگی‌های شخصیتی است. شخصیت بنا به نظر آلپورت^{۱۰} (۱۹۶۱) «سازمان‌بندی پویایی است در درون فرد از آن دسته از نظام‌های روانی -

سراسر زندگی انسان همواره سرشار از نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها بوده است. توزیع نامناسب ثروت در جوامع بشری و نابرابری در میزان دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و امکانات آموزشی سبب می‌شود تا افراد در برابر مشاهده یا تجربه بی‌عدالتی‌ها واکنش‌های متفاوتی نشان دهند. در چنین شرایطی برخی افراد خشمگین می‌شوند و در پی بازگرداندن عدالت برمی‌آیند. عده‌ای، افرادی را که قربانی بی‌عدالتی بوده‌اند، سرزنش می‌کنند و عدهٔ دیگری سعی در توجیه وضع موجود دارند (دالبرت^۱، ۲۰۰۹).

روان‌شناسان همواره به واکنش‌های انسان هنگام مواجهه با شرایط ناعادلانه توجه کرده‌اند و تاکنون نظریه‌های روان‌شناختی متعددی برای تبیین این واکنش‌های عدالت‌محور پیشنهاد شده است. یکی از با نفوذترین آنها فرضیهٔ باور به دنیای عادلانه^۲ است که لرنر^۳ (۱۹۶۵) آن را مطرح کرد. لرنر با بیان این فرضیه، باور انسان‌هایی را تبیین کرد که معتقدند دنیا دار مکافات است و افراد هیچ‌گاه رنج و بدبختی‌هایی را تجربه نخواهند کرد که سزاوار آن نیستند (بنت^۴، ۲۰۰۸). دنیای عادل، مکانی است که در آن هر فردی شایستهٔ آن چیزی است که به دست می‌آورد و معیار تعیین این شایستگی، پیامد اعمالی است که فرد انجام می‌دهد. به عبارت دیگر، منظور از عدالت، قضاوت دربارهٔ میزان شایستگی است. این فرایند در هر دو حالت پیامدهای مثبت و منفی صدق می‌کند (لرنر، ۱۹۸۰). چنین اندیشه‌ای هم

⁵ Belief in a just world for others

⁶ Belief in a just world for self

⁷ Todd, Ludmila, Craig & Sheldon

⁸ Manusov & Spitzberg

⁹ Attributions

¹⁰ Alport

¹ Dalbert

² Belief in a just world (BJW)

³ Lerner

⁴ Bennett

۱۹۹۶؛ فرنهام و گانتز^{۱۰}، ۱۹۸۴)، بیماری‌های سخت (هرگوویچ، راتکی، استالیتز^{۱۱}، ۲۰۰۳)، تجاوز و خشونت (کارلی، ۱۹۹۹؛ کاروزا و کری^{۱۲}، ۱۹۸۴) و واکنش نشان می‌دهند. به عبارت دیگر باور به دنیای عادلانه یک چهارچوب اسنادی گسترده است که هنگام سرزنش قربانی‌ها به کار می‌رود و فرد قربانی را سزاوار اتفاقی که برای او افتاده می‌داند. گرایش اسنادی دربارهٔ چنین فردی این‌گونه است که حتماً آدم بدی بوده است (رایس و ترافمو^{۱۳}، ۲۰۱۱).

افراد معتقد به دنیای عادلانه به استفاده از اسناددهی درونی گرایش دارند و در بیشتر مواقع، دلیل قربانی شدن را به عوامل درونی نسبت می‌دهند تا عوامل موقعیتی. هم‌چنین این افراد وضعیت (عادلانه یا ناعادلانه بودن) را به توانایی (درونی یا بیرونی و خارج از کنترل خود) نسبت می‌دهند یا آن را یک موضوع پایدار و یا ناپایدار تلقی می‌کنند. نتایج برخی تحقیقات از وجود رابطه مثبت بین باور به دنیای عادلانه و اسنادهای درونی در افراد قربانی حکایت می‌کند (هافر و کوری^{۱۴}، ۱۹۹۹). بعضی پژوهش‌ها نیز وجود چنین رابطه‌ای را رد می‌کنند (افخنوهار، یاکوبز و بل شاک^{۱۵}، ۲۰۰۵). بر همین اساس مقایسه سبک‌های اسناد و باور به دنیای عادلانه، اهمیت دارد.

به طور کلی مرز مشترک میان این دو سازه شناختی یعنی باور به دنیای عادلانه و سبک‌های اسناد، تمایل به تبیین حوادث، یافتن یک رابطه علی به منظور پیش‌بینی رویدادهای آینده و کنترل محیط

فیزیکی که رفتار و تفکر شاخص او را تعیین می‌کند» (نقل از کارور و شی‌یر، ۱۳۸۷). صفات شخصیت، الگوهای یکسانی از رفتار، احساسات و افکار افراد است که از آنها برای پیش‌بینی و تبیین رفتار افراد استفاده می‌شود (پروین و جان^۱، ۱۳۸۶). (۱۳۸۶). یکی از مشهورترین رویکردها در میان روان‌شناسانی که صفات شخصیتی را مطالعه می‌کنند، الگوی پنج عاملی شخصیت است. بر اساس آن شخصیت از ترکیب پنج عامل یا صفت شکل می‌گیرد که عبارت از این است: روان‌رنجوری (N)^۲، برون‌گرایی (E)^۳، گشودگی (O)^۴، سازگاری سازگاری (A)^۵ و وظیفه‌شناسی (C)^۶ (ویگ^۷، ۱۳۸۸).

بررسی‌ها میان این صفات شخصیتی با سبک‌های اسناد، رابطه معناداری را گزارش می‌کنند. میان سبک‌های اسناد با روان‌رنجورگرایی و برون‌گرایی رابطه مثبت مشاهده شده است. هم‌چنین سبک اسنادی افسرده‌وار (پایدار - کلی) به طور مثبتی با گرایش به روان‌رنجوری رابطه دارد (آدلر، کیسل و مک‌آدامز^۸، ۲۰۰۶؛ حاتمی، محمدی، ابراهیمی و حاتمی، ۱۳۸۹).

تحقیقاتی که در زمینه باور به دنیای عادلانه انجام شده است، نشان می‌دهد که افراد چگونگی با استفاده از این باور، دلیل وقایع اطراف خود را تبیین می‌کنند و در برابر مسایلی از جمله فقر (هارپر^۹،

¹Pervin & John

²Neuroticism

³Extraversion

⁴Openness

⁵Agreeableness

⁶Conscientiousness

⁷Veague

⁸Adler, Kissel & Mcadams

⁹Harper & Furnham

¹⁰ Gunter

¹¹ Hergovich, Ratky & Stollreiter

¹² Karuza & Carey

¹³ Rice & Trafimow

¹⁴ Correy

¹⁵ Fetchenhauer, Jacobs & Belschak

میزان سازگاری افراد هنگام رویارویی با وقایع مثبت و منفی متفاوت است. ویژگی‌های شخصیتی به‌ویژه برون‌گرایی و روان‌رنجوری، پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای سطح سازگاری افراد هستند؛ زیرا این عوامل از گرایش‌های پایدار و بادوام شخصیتی به شمار می‌روند که بر میزان سازگاری فرد با محیط تأثیرگذارند. در شرایطی که فردی از حالت تعادل خارج می‌شود، این ویژگی‌های شخصیتی در جایگاه عامل برقرارکننده سطح تعادل به‌هنگار نقش دارند (قلی‌زاده، برزگری، غریبی و باباپور، ۱۳۸۹). به همین ترتیب ویژگی‌های شخصیت همانند باور به دنیای عادلانه، تأثیر مهمی در میزان سازگاری افراد دارند.

بررسی پیشینه پژوهشی باور به دنیای عادلانه نشان داده است چنین باوری مانند یک سپر از افراد در برابر حوادث تنش‌زا محافظت می‌کند (فرنهام، ۲۰۰۳)؛ در نتیجه کاهش اضطراب و افسردگی را موجب می‌شود (لیپکاس، دالبرت و سیگلر، ۱۹۹۶) و در حفظ سلامت روان مؤثر است (دالبرت، ۲۰۰۲). به همین دلیل سطح پایین‌تری از روان‌رنجوری در چنین افرادی مشاهده می‌شود (دالبرت و ولفرد، ۲۰۰۳). اعتقاد به این‌که مردم آنچه را که دریافت می‌کنند، سزاوار آن هستند، موجب می‌شود افراد خود را در یک محیط امن احساس کنند (لمبرت، باروق گوین، ۱۹۹۹) و راحت‌تر دست به خود افشایی بزنند؛ در نتیجه میزان برون‌گرایی در آنها بالاتر می‌رود و به دنبال آن

دانسته می‌شود؛ به این صورت که هایدن^۱ (۲۰۰۹) نظریه اسناد را فرایند تبیین رویدادها و پیامدهای ناشی از آنها می‌داند و معتقد است هدف ما از اسناددهی نیاز به فهمیدن وقایع اطرافمان و کنترل محیط برای پیش‌بینی حوادثی است که در آینده ممکن است، رخ دهد. از سوی دیگر دالبرت، لیپکاس، سالای و گوچ^۲ (۲۰۰۱) دریافتند که افراد تمایل دارند بر این باور باشند که تلاش‌هایشان به یک پیامد شایسته منجر می‌شود و بین پیامد اعمال و عملکرد شخصی خودشان در دنیا یک رابطه علی وجود دارد؛ زیرا تجسم یک جهان مبتنی بر عدالت خیلی معنی‌دارتر از تصویر جهانی است که وقایع آن به صورت تصادفی رخ می‌دهد. هم‌چنین هافر و بیژو^۳ (۲۰۰۵) باور به دنیای عادلانه را یک روند سازشی در نظر می‌گیرند که افراد را برای سازگاری با محیط یاری می‌کند.

هافر و ساتو^۴ (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در بین پژوهش‌گران، تلاش دوچندانی به منظور یافتن هم‌بسته‌های باور به دنیای عادل مشاهده شد که در این بین تمرکز اصلی روی تفاوت‌های فردی مرتبط با باور به دنیای عادلانه بود. در رابطه با هم‌بسته‌های شخصیتی باور به دنیای عادلانه نودلمن^۵ (۲۰۱۳) با انجام فراتحلیلی روی پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با شخصیت و باور به دنیای عادلانه بیان می‌کند که روان‌رنجوری و برون‌گرایی با باور به دنیای عادلانه مرتبط هستند.

¹ Hayden

² Dalbert, Lipkus, Sallay & Goch

³ Be'gue

⁴ Hafer & Sutto

⁵ Nudelman

⁶ Lipkus, Dalbert & Siegler

⁷ Wolfradt

⁸ Lambert, Burroughs & Nguyen

بهزیستی ذهنی این افراد افزایش می‌یابد (نودلمن، ۲۰۱۳).

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر از نوع علی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش، همه دانشجویان دختر مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ دانشگاه سمنان بودند. از میان آنها ۳۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند (۲۱۱ نفر، کارشناسی؛ ۷۸ نفر، کارشناسی ارشد و ۱۱ نفر، دکترای تخصصی). ابتدا پرسش‌نامه NEO-FFI در بین افراد نمونه توزیع شد. بعد از بررسی نتایج، ۳۰ نفر از کسانی که در خرده مقیاس‌های روان‌رنجوری یک انحراف معیار بالاتر از میانگین داشتند و نمره برون‌گرایی آنها یک انحراف استاندارد کمتر از میانگین بود، انتخاب شدند. سپس ۳۰ نفر از افرادی که نمرات آنها در مقیاس برون‌گرایی یک انحراف معیار بالاتر از میانگین بود و هم‌زمان در مقیاس روان‌رنجوری یک انحراف استاندارد کمتر از میانگین داشتند، برای جای‌گزینی در گروه‌های مورد نظر انتخاب شدند. همچنین ۳۰ نفر از افرادی که نتایج پرسش‌نامه آنها در مقیاس‌های برون‌گرایی و روان‌رنجوری در دامنه یک انحراف معیار بالاتر و پایین‌تر از میانگین قرار داشت، در گروه گواه جای داده شدند. سپس پرسش‌نامه سبک‌های اسناد و باور به دنیای عادلانه میان افراد این سه گروه توزیع شد. در پایان، نتایج حاصل از آزمون‌های سبک‌های اسناد و باور به دنیای عادلانه اعضای این سه گروه، مقایسه شد.

ابزارهایی که در این پژوهش به کار رفته است، به شرح ذیل هستند:

پرسش‌نامه کوتاه مقیاس پنج عامل شخصیت:

این پرسش‌نامه، ۶۰ سؤال دارد که به منظور ارزیابی

یافته‌های این پژوهش در حوزه تغییر نگرش بااهمیت و پرکاربرد است؛ زیرا با آگاهی از شیوه‌های سازگاری و سبک‌های تبیینی افراد و باور به دنیای عادلانه در نوع سبک اسنادی افراد برای رویارویی با وقایع اطراف، تغییر ایجاد می‌شود و باور افراد نسبت به زندگی در یک دنیای عادلانه تغییر می‌یابد. همچنین میزان سازگاری افراد در تأثیر قرار خواهد گرفت و احساس امنیتی که از تصور زندگی در یک دنیای منصف ایجاد می‌شود نیز تغییر خواهد کرد. شناخت بیشتر از این افراد به تدوین برنامه‌های انگیزشی متناسب با سبک تبیینی آنها یاری می‌رساند.

با وجود این‌که باور به دنیای عادلانه یکی از باورهای رایج در کشور است، هنوز تحقیقات زیادی در این زمینه انجام نشده است. تنها موضوعاتی که در این زمینه مطالعه شده، از این جمله هستند: هنجاریابی پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه (گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۶)، رابطه باور به دنیای عادلانه با سلامت روان (گل‌پرور، کامکار و جوادی، ۱۳۸۶)، نقش تعدیل‌کننده اسناد در رابطه بین باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه (گل‌پرور و واثقی، ۱۳۸۹)، رابطه پنج عامل شخصیت با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه و باور به جبران عدالت (گل‌پرور، برازنده و جوادیان، ۱۳۹۳).

بر اساس این، پژوهش حاضر در پی بررسی این است که آیا سبک‌های اسناد و باور به دنیای عادلانه در افرادی با صفات شخصیتی روان‌رنجورگرایی، برون‌گرایی و گروه گواه متفاوت است؟

سنجش می‌کند. در این پرسش‌نامه از آزمودنی خواسته می‌شود که تصور کند هر یک از موقعیت‌های توصیف‌شده برای او اتفاق افتاده است. سپس عمده‌ترین دلیل آن را بنویسد و دلیل را در سه بعد درونی‌بودن، کلی‌بودن و پایداری در طول یک پیوستار هفت درجه‌ای طبقه‌بندی کند. فرونی درجه‌بندی، گرایش فرد به اسناد درونی، کلی و پایدار را نشان می‌دهد و کاهش درجه‌بندی بیانگر این است که فرد به بعد بیرونی، اختصاصی و ناپایدار گرایش دارد. در این پرسش‌نامه هر پاسخ نمراتی با دامنه ۱ تا ۷ دارد. برای هر کدام از وقایع مثبت، نمره ۱ پایین‌ترین یا بدترین نمره است، درحالی‌که نمره ۷ بالاترین یا بهترین نمره می‌باشد. برای موقعیت‌های منفی، نمره ۱ بهترین و نمره ۷ بدترین نمره است. بالاترین نمره ممکن برای همه وقایع مثبت، ۲۱ است، درحالی‌که پایین‌ترین نمره ممکن ۳ می‌باشد. در واقع در این پرسش‌نامه، نمرات وقایع مثبت و منفی به طور جداگانه محاسبه می‌شود.

شرح نمرات به این صورت است:

- سبک اسناد منفی کلی که برابر است با مجموع نمرات موقعیت‌های منفی، تقسیم بر تعداد کل موقعیت‌های منفی؛
- سبک اسناد مثبت کلی که برابر است با مجموع نمرات موقعیت‌های مثبت، تقسیم بر تعداد کل موقعیت‌های مثبت؛
- نمره منفی درونی که برابر است با مجموع نمرات بعد درونی - بیرونی وقایع منفی؛
- نمره منفی باثبات که برابر است با مجموع نمرات بعد باثبات - بی‌ثبات وقایع منفی؛

پنج عامل اصلی شخصیت روان‌رنجورگرایی (N)، سازگاری (A)، گشودگی (O)، برون‌گرایی (E) و وظیفه‌شناسی (C) به کار می‌رود. این پرسش‌نامه، شکل کوتاه آزمون NEO-PI-R است که مک‌کری و کاستا^۱ (۱۹۸۹) آن را ساخته‌اند و بر روی افراد به‌هنگار بالای ۱۷ سال اجرا می‌شود. پاسخ‌نامه آن بر اساس مقیاس لیکرت (کاملاً مخالفم، مخالفم، بی‌تفاوت، موافقم و کاملاً موافقم) تنظیم شده است. مک‌کری و کاستا (۱۹۸۹) ضریب آلفای کرونباخ را برای C, A, O, E, N بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند (خورسندی، ۱۳۸۹). در ایران کیامهر (۱۳۸۱) ضریب پایایی را برای عوامل مذکور بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۶ بیان کرده است. در این پژوهش برای N و E آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۸۶ به دست آمده است.

پرسش‌نامه سبک اسناد (ASQ): این پرسش‌نامه یک ابزار خودگزارش‌دهی است که نخستین بار پیترسون^۲ و سلیمان^۳ (۱۹۸۴) آن را ساخته‌اند. این پرسش‌نامه ۱۲ موقعیت فرضی را دربرمی‌گیرد که شش موقعیت، اسنادهای علی را در هنگام موفقیت و شش موقعیت دیگر اسنادهای علی را در مواقع شکست، ارزیابی می‌کند. هر موقعیت ۴ سؤال دارد. نخستین سؤال دلیل عمده واقعه مورد نظر را می‌پرسد. برای این سؤال نمره‌ای در نظر گرفته نمی‌شود، اما به آزمودنی در پاسخ‌دادن به سه سؤال بعدی کمک می‌کند. دومین سؤال درونی / بیرونی بودن پاسخ، سومین سؤال پایدار / ناپایدار و چهارمین سؤال کلی / اختصاصی بودن پاسخ را

¹ McCrae & Costa

² Peterson

³ Seligman

ضرایب پایایی این دو پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار آن برای پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای خود ۰/۸۶ و برای پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای دیگران ۰/۸۷ به دست آمد.

اجرای پژوهش حاضر به صورت انفرادی بود. ابتدا پژوهشگر ضمن معرفی خود و اهداف پژوهش پس از دریافت رضایت آگاهانه از افراد می‌خواست که صادقانه به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دهند. داده‌های پژوهش در دو سطح توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (تحلیل واریانس چندمتغیره) تحلیل شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر میانگین سنی شرکت‌کنندگان برابر با ۲۳/۱۷ با انحراف استاندارد ۳/۱۴، میانگین و انحراف استاندارد به تفکیک برای گروه گواه به ترتیب برابر با ۲۳/۹۵ و ۳/۱۰، برای گروه روان‌رنجور به ترتیب برابر با ۲۲/۸۴ و ۲/۹۱ و برای گروه برون‌گرا به ترتیب برابر با ۲۲/۷۵ و ۳/۴۱ بود. هم‌چنین از بین شرکت‌کنندگان، ۶۸/۸۰ درصد مجرد و ۳۱/۲۰ درصد متأهل بودند.

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد سبک‌های اسنادی را به تفکیک برای ۳ گروه نشان می‌دهد. چنانچه مشاهده می‌شود در سبک اسناد منفی درونی، منفی باثبات و منفی عمومی میانگین برای گروه گواه به ترتیب برابر با ۲۵/۲۰، ۲۳/۸۰ و ۲۴/۲۳، برای گروه روان‌رنجور به ترتیب برابر با ۲۰/۹۳، ۲۲/۱۶ و ۲۴/۸۰ و برای گروه برون‌گرا به ترتیب برابر با ۲۳/۹۶، ۲۲/۹۰ و ۲۴/۷۶ است. در سبک اسناد مثبت درونی، مثبت باثبات و مثبت

- نمره منفی عمومی که برابر است با مجموع نمرات بعد کلی - اختصاصی وقایع منفی؛
- نمره مثبت درونی که برابر است با مجموع نمرات بعد درونی - بیرونی وقایع مثبت؛
- نمره مثبت باثبات که برابر است با مجموع نمرات بعد باثبات - بی‌ثبات وقایع مثبت؛
- نمره مثبت عمومی که برابر است با مجموع نمرات بعد کلی - اختصاصی وقایع مثبت (منصوری، ۱۳۹۲).

رجبی و شهنی بیلاق (۱۳۸۴) ضرایب آلفای کرونباخ را برای سبک اسنادی مثبت، ۰/۷۳؛ سبک اسنادی منفی، ۰/۶۲ و برای کل رویدادها ۰/۶۷ به دست آورده‌اند. در پژوهش حاضر مقادیر آلفای کرونباخ برای سبک‌های اسنادی مثبت، ۰/۸۷؛ سبک‌های اسنادی منفی، ۰/۸۵ و برای کل رویدادها، ۰/۸۹ است.

پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای خود و

دیگران: این پرسش‌نامه را ساتون و دگلاس (۲۰۰۵) طراحی کرده‌اند که با ۸ سؤال، باور به دنیای عادلانه معطوف به خود را سنجش می‌کند. مقیاس پاسخ‌گویی آن به صورت کاملاً مخالفم=۱، مخالفم=۲، نه مخالفم و نه موافقم=۳، موافقم=۴ و کاملاً موافقم=۵ است. این پرسش‌نامه را در ایران، گل‌پرور و عریضی (۱۳۸۶) اعتباریابی کرده‌اند. ضریب پایایی برای زیرمقیاس باور به دنیای عادلانه برای خود برابر با ۰/۷۷ ارائه شده است. در عین حال آلفای کرونباخ این مقیاس، ۰/۷۵ به دست آمده است. هم‌چنین در زیرمقیاس باور به دنیای عادلانه برای دیگران آلفای کرونباخ، ۰/۸۰ و ضریب پایایی بازآزمایی آن ۰/۷۹ گزارش شده است (گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۶). در این پژوهش برای محاسبه

عمومی میانگین برای گروه گواه به‌ترتیب برابر با ۳۳/۱۳، ۳۰/۴۶ و ۳۰/۹۳، برای گروه روان‌رنجور به ترتیب برابر با ۲۸/۱۰، ۲۸/۴۳ و ۲۷/۹۳ و برای گروه برون‌گرا به‌ترتیب برابر با ۳۲/۷۰، ۳۴/۶۰ و ۳۲/۵۶ است. هم‌چنین در سبک اسناد منفی کلی و مثبت کلی میانگین گروه گواه به‌ترتیب برابر با ۸/۸۳ و ۱۵/۵۷، برای گروه روان‌رنجور به‌ترتیب برابر با ۷/۸۷ و ۱۴/۰۷ و برای گروه برون‌گرا به‌ترتیب برابر با ۸/۴۹ و ۱۶/۶۴ است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی آزمودنی‌های پژوهش برحسب عضویت گروهی در هر یک از ابعاد مربوط به سبک‌های اسناد

ابعاد سبک‌های اسناد	برون‌گرایی		روان‌رنجورخویی		گروه گواه	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
منفی درونی	۲۳/۹۶	۷/۶۹	۲۰/۹۳	۵/۸۶	۲۵/۲۰	۵/۲۶
منفی باثبات	۲۲/۹۰	۷/۲۷	۲۲/۱۶	۶/۲۱	۲۳/۸۰	۵/۷۵
منفی عمومی	۲۴/۷۶	۷/۵۶	۲۴/۸۰	۵/۹۴	۲۴/۲۳	۶/۲۲
مثبت درونی	۳۴/۶۰	۶/۱۳	۲۸/۱۰	۶/۸۶	۳۳/۱۳	۵/۸۸
مثبت باثبات	۳۲/۷۰	۶/۲۴	۲۸/۴۳	۵/۵۵	۳۰/۴۶	۵/۳۹
مثبت عمومی	۳۲/۵۶	۷/۰۸	۲۷/۹۳	۶/۵۲	۳۰/۹۳	۵/۶۱
منفی کلی	۸/۴۹	۲/۳۰	۷/۸۷	۱/۷۹	۸/۸۳	۱/۸۰
مثبت کلی	۱۶/۶۴	۲/۸۴	۱۴/۰۷	۲/۷۸	۱۵/۷۵	۲/۴۷

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی آزمودنی‌های پژوهش برحسب عضویت گروهی در هر یک از ابعاد باور به دنیای عادلانه

ابعاد باور به دنیای عادلانه	برون‌گرایی		روان‌رنجورخویی		گروه گواه	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
برای خود	۳۰/۵۰	۶/۲۲	۲۲/۶۰	۵/۱۰	۲۶/۵۰	۶/۳۵
برای دیگران	۲۷/۴۰	۶/۵۳	۱۸/۹۶	۶/۲۲	۲۳/۴۶	۵/۸۴

جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد باور به دنیای عادلانه برای خود و برای دیگران را به‌تفکیک برای ۳ گروه نشان می‌دهد. چنانچه مشاهده می‌شود در باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران، میانگین گروه گواه به‌ترتیب برابر با ۲۶/۵۰ و ۲۳/۴۶، برای گروه روان‌رنجور به‌ترتیب برابر با ۲۲/۶۰ و ۱۸/۹۶ و برای گروه برون‌گرا به‌ترتیب برابر با ۳۰/۵۰ و ۲۷/۴۰ است.

با توجه به هدف پژوهش برای مقایسه هر ۳ گروه در ابعاد سبک‌های اسناد و باور به دنیای عادلانه از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شده است. قبل از استفاده از این آزمون، آزمون همگنی واریانس خطا (لوین) برای متغیرهای سبک‌های اسناد و باور به دنیای عادلانه بررسی شد. نتایج نشان داد این آزمون برای هر یک از متغیرهای وابسته از نظر آماری معنی‌دار نیست که نشان‌دهنده برابری واریانس خطا است. هم‌چنین پیش‌فرض ام -

شده. مقدار آماره لامبدای ویلکز ($F=7/676$) بیانگر این است که میان سبک‌های اسناد و باور به دنیای عادلانه در افراد هر ۳ گروه، تفاوت معناداری وجود دارد. ($P < 0/0001$)

باکس به منظور بررسی پیش‌فرض همگنی ماتریس کوواریانس متغیرهای پژوهش اجرا و این پیش‌فرض نیز تأیید شد.

پس از بررسی پیش‌فرض‌های آماری، تحلیل واریانس چندمتغیره به منظور مقایسه گروه‌ها اجرا

جدول ۳. اثرات بین آزمودنی به منظور مقایسه سبک‌های اسناد و باور به دنیای عادلانه در بین گروه‌های برون‌گرا، روان‌رنجور و

گروه گواه

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری (یک دامنه)	اندازه اثر	توان آماری
منفی درونی	۲۸۹/۲۶	۲	۱۴۴/۶۳	۳/۵۷	۰/۰۱۶	۰/۰۸۰	۰/۸۹۷
منفی باثبات	۴۰/۱۵	۲	۲۰/۰۷	۰/۴۸	۰/۳۰۹	۰/۰۰۲	۰/۸۹۷
منفی عمومی	۶/۰۶	۲	۳/۰۳	۰/۰۶	۰/۴۶۶	۰/۰۰۱	۰/۸۹۷
مثبت درونی	۶۹۷/۳۵	۲	۳۴۸/۶۷	۸/۷۵	۰/۰۰۰۱	۰/۱۶۰	۰/۸۹۷
مثبت باثبات	۲۷۳/۲۶	۲	۱۳۶/۶۳	۴/۱۴	۰/۰۰۹	۰/۰۹۱	۰/۸۹۷
مثبت عمومی	۳۳۱/۳۵	۲	۱۶۵/۶۷	۳/۹۹	۰/۰۱۱	۰/۰۸۳	۰/۸۹۷
منفی کلی	۱۴/۴۵	۲	۷/۲۲	۱/۸۴	۰/۰۸۲	۰/۰۵۱	۰/۸۹۷
مثبت کلی	۱۰۴/۹۲	۲	۵۲/۴۶	۶/۹۵	۰/۰۰۱	۰/۱۵۰	۰/۸۹۷
باور به دنیای عادلانه برای خود	۹۳۶/۲۰	۲	۴۶۸/۱۰	۱۳/۳۰	۰/۰۰۰۱	۰/۲۵۰	۰/۸۹۷
باور به دنیای عادلانه برای دیگران	۱۰۶۸/۴۲	۲	۵۳۴/۲۱	۱۳/۸۶	۰/۰۰۰۱	۰/۲۵۱	۰/۸۹۷

چنانچه جدول ۳ نشان می‌دهد تفاوت میانگین گروه‌های بررسی‌شده (گروه گواه، روان‌رنجور و برون‌گرا) در تمام متغیرهای پژوهش به جز سبک اسناد منفی باثبات، سبک اسناد منفی عمومی و سبک اسناد منفی کلی معنی‌دار ($P < 0/05$) است. هم‌چنین میزان توان آماری مشاهده‌شده که بزرگ‌تر از ۰/۸ است، کفایت حجم نمونه را نشان می‌دهد. میزان اندازه اثر در جدول ۳ نشان می‌دهد که باور به دنیای عادلانه برای خود و باور به دنیای عادلانه برای دیگران هر یک به تفکیک ۲۵ درصد از واریانس بین گروه‌های پژوهش را تبیین می‌کند. به منظور بررسی تفاوت گروه‌ها از نظر مؤلفه‌های سبک‌های اسناد و باور به دنیای عادلانه مقایسه زوجی متغیرها با یک‌دیگر انجام شد که نتایج آن در جدول‌های ۴ و ۵ گزارش شده است.

چنانچه جدول ۳ نشان می‌دهد تفاوت میانگین گروه‌های بررسی‌شده (گروه گواه، روان‌رنجور و برون‌گرا) در تمام متغیرهای پژوهش به جز سبک اسناد منفی باثبات، سبک اسناد منفی عمومی و سبک اسناد منفی کلی معنی‌دار ($P < 0/05$) است. هم‌چنین میزان توان آماری مشاهده‌شده که بزرگ‌تر از ۰/۸ است، کفایت حجم نمونه را نشان می‌دهد. میزان اندازه اثر در جدول ۳ نشان می‌دهد که باور به دنیای عادلانه برای خود و باور به دنیای عادلانه برای دیگران هر یک به تفکیک ۲۵ درصد از واریانس بین گروه‌های پژوهش را تبیین می‌کند. به منظور بررسی تفاوت گروه‌ها از نظر مؤلفه‌های سبک‌های اسناد و باور به دنیای عادلانه مقایسه زوجی متغیرها با یک‌دیگر انجام شد که نتایج آن در جدول‌های ۴ و ۵ گزارش شده است.

جدول ۴. مقایسه زوجی گروه‌ها به لحاظ باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران

متغیر	گروه (میانگین)	در مقایسه با گروه (میانگین)	تفاوت میانگین	معناداری (یک دامنه)
باور به دنیای عادل خود	روان‌رنجور (۲۲/۶۰)	گروه گواه (۲۶/۵۰)	۷/۹۰	۰/۰۰۰۱
باور به دنیای عادل خود	روان‌رنجور (۲۲/۶۰)	گروه گواه (۲۶/۵۰)	-۳/۹۰	۰/۰۲۴
باور به دنیای عادل خود	برون‌گرا (۳۰/۵۰)	گروه گواه (۲۶/۵۰)	۴/۰۰	۰/۰۲۵
باور به دنیای عادل خود	برون‌گرا (۲۷/۴۰)	روان‌رنجور (۱۸/۹۶)	۸/۴۳	۰/۰۰۰۱

۰/۰۲۵	۳/۹۳	گروه گواه (۲۳/۴۶)	باور به دنیای
۰/۰۰۸	-۴/۵۰	گروه گواه (۲۳/۴۶)	عادل دیگران

جدول ۴ بیانگر آن است که در باور به دنیای عادلانه برای خود میان افراد برون‌گرا با روان‌رنجور و گروه گواه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. هم‌چنین میان افراد روان‌رنجور با گروه گواه هم تفاوت معنی‌داری وجود دارد. تفاوت مشاهده‌شده میان گروه‌ها در باور به دنیای عادلانه برای دیگران نیز معنی‌دار است.

جدول ۵. مقایسه زوجی گروه‌ها به لحاظ سبک‌های اسناد

معناداری (یک دامنه)	تفاوت میانگین	در مقایسه با گروه (میانگین)	گروه (میانگین)	متغیر
۰/۱۲۵	۳/۰۳	روان‌رنجور (۲۰/۹۳)	برون‌گرا (۲۳/۹۶)	منفی درونی
۰/۴۲۶	-۱/۲۳	گروه گواه (۲۵/۲۰)	روان‌رنجور (۲۰/۹۳)	
۰/۰۰۶	-۴/۲۶	گروه گواه (۲۵/۲۰)	برون‌گرا (۲۲/۹۰)	منفی باثبات
۰/۴۸۳	۰/۷۳	روان‌رنجور (۲۲/۱۶)	روان‌رنجور (۲۲/۱۶)	
۰/۴۶۷	-۰/۹۰	گروه گواه (۲۳/۸۰)	برون‌گرا (۲۴/۷۶)	منفی عمومی
۰/۳۲۵	-۱/۶۳	گروه گواه (۲۳/۸۰)	روان‌رنجور (۲۴/۷۹)	
۰/۵۰۰	-۰/۰۳	روان‌رنجور (۲۴/۷۹)	برون‌گرا (۳۴/۶۰)	مثبت درونی
۰/۴۹۳	۰/۵۳	گروه گواه (۲۴/۲۳)	روان‌رنجور (۲۸/۱۰)	
۰/۴۸۹	۰/۵۶	گروه گواه (۲۴/۲۳)	برون‌گرا (۳۲/۷۰)	مثبت باثبات
۰/۰۰۰۵	۶/۵۰	روان‌رنجور (۲۸/۱۰)	روان‌رنجور (۲۸/۴۳)	
۰/۳۶۱	۱/۴۶	گروه گواه (۳۳/۱۳)	برون‌گرا (۳۲/۷۰)	مثبت عمومی
۰/۰۰۵	-۵/۰۳	گروه گواه (۳۳/۱۳)	روان‌رنجور (۲۷/۹۳)	
۰/۰۱۰	۴/۲۶	روان‌رنجور (۲۸/۴۳)	برون‌گرا (۳۲/۷۰)	منفی کلی
۰/۱۸۶	۲/۲۳	گروه گواه (۳۰/۴۶)	روان‌رنجور (۲۷/۹۳)	
۰/۱۹۹	-۲/۰۳	گروه گواه (۳۰/۴۶)	برون‌گرا (۳۲/۵۶)	مثبت عمومی
۰/۰۱۶	۴/۶۳	روان‌رنجور (۲۷/۹۳)	روان‌رنجور (۲۷/۹۳)	
۰/۳۴۷	۱/۶۳	گروه گواه (۳۰/۹۳)	برون‌گرا (۸/۴۹)	منفی کلی
۰/۰۸۶	-۳/۰۰	گروه گواه (۳۰/۹۳)	روان‌رنجور (۷/۸۷)	
۰/۲۸۴	۰/۶۲	روان‌رنجور (۷/۸۷)	برون‌گرا (۸/۴۹)	مثبت کلی
۰/۴۴۷	-۰/۳۴	گروه گواه (۸/۸۳)	روان‌رنجور (۷/۸۷)	
۰/۰۶۰	-۰/۹۶	گروه گواه (۸/۸۳)	برون‌گرا (۱۶/۶۴)	مثبت کلی
۰/۰۰۱	۲/۵۶	روان‌رنجور (۱۴/۰۷)	روان‌رنجور (۱۴/۰۷)	
۰/۲۴۵	۰/۸۸	گروه گواه (۱۵/۷۵)		
۰/۰۲۴	-۱/۶۷	گروه گواه (۱۵/۷۵)		

با توجه به جدول ۵ مشاهده می‌شود که در بعد منفی درونی، میان افراد روان‌رنجور با گروه گواه برون‌گراها با روان‌رنجورها و روان‌رنجورها با افراد

نمی‌کنند، ترس کمتری را احساس می‌کنند و بهتر با شرایط استرس‌زا و فشارهای روانی مقابله می‌کنند (اولسون و هافر، ۲۰۰۱). بدین ترتیب در چنین شرایطی ناتوانی کمتری را احساس می‌کنند، بهتر با شرایط موجود و دیگران سازگار می‌شوند، در تعاملات خودشان احساس امنیت بیشتری را تجربه می‌کنند (بیژو و باستونیس، ۲۰۰۳) و به همین دلیل میزان برون‌گرایی آنها بیشتر می‌شود.

باور به دنیای عادلانه مانند یک سپر از افراد در برابر حوادث تنش‌زا محافظت می‌کند (فرنهام، ۲۰۰۳)؛ در نتیجه کاهش تنش و احساسات منفی را موجب می‌شود (لیپیکاس، دالبرت و سیگلر، ۱۹۹۶) و در حفظ سلامت روان مؤثر است (دالبرت، ۲۰۰۲). به همین دلیل سطح پایین‌تری از روان‌رنجورخویی در چنین افرادی مشاهده شده است (دالبرت و ولفرد، ۲۰۰۳). باور به عادلانه‌بودن جهان موجب می‌شود افراد خود را در یک محیط امن احساس کنند (لمبرت، باروق گوئین، ۱۹۹۹) و راحت‌تر دست به خود افشایی بزنند؛ در نتیجه میزان برون‌گرایی در آنها بالاتر می‌رود و به دنبال آن بهزیستی ذهنی این افراد افزایش می‌یابد (نودلمن، ۲۰۱۳).

از سوی دیگر، ۳ بعد سبک اسنادی مثبت، منفی و سبک‌های اسنادی کلی بین گروه‌های پژوهش متفاوت بود. در شرایط مثبت، بیشترین میانگین مربوط به برون‌گراها و در شرایط منفی، میانگین نمرات گروه گواه بیشتر بود (البته این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نیست). با مقایسه زوجی متغیرها مشاهده شد که در بعد منفی درونی و مثبت درونی، میان افراد روان‌رنجور و گروه گواه تفاوت، معنی‌دار و این میزان در بعد منفی درونی بیشتر

گروه گواه تفاوت معنی‌داری نشان داده‌اند. در ابعاد مثبت باثبات و مثبت عمومی، افراد برون‌گرا و افراد روان‌رنجور با یکدیگر تفاوت دارند. در بعد مثبت ترکیبی هم میان برون‌گراها و روان‌رنجورخوگراها و افراد روان‌رنجور با گروه گواه تفاوت معنی‌داری به دست آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری

چنانچه یافته‌ها نشان داد افراد روان‌رنجور، پایین‌ترین میانگین و افراد برون‌گرا بالاترین میزان باور به دنیای عادل (برای خود و دیگران) را نشان دادند. بیژو و مولر (۲۰۰۶) بیان کردند که باور به دنیای عادلانه، افراد را در برابر واکنش‌های پرخاشگرانه محافظت می‌کند؛ برای همین این افراد یک ارزیابی بی‌طرفانه و خنثی در برابر بی‌عدالتی دارند و خوش‌بینانه‌تر به چنین شرایطی نگاه می‌کنند.

مطابق با نتایج لنچ و چانگ (۲۰۰۷)، اولسون و هافر (۲۰۰۱) و بیژو و باستونیس^۱ (۲۰۰۳) در تبیین یافته مذکور بیان می‌شود افرادی که به عادلانه‌بودن دنیا اعتقاد ندارند بر پیامدهای منفی حاصل از بی‌عدالتی‌ها بیشتر متمرکز می‌شوند، هنگام رویارویی با بی‌عدالتی، اضطراب و افسردگی بیشتری تجربه می‌کنند، حوادث منفی را بیشتر به یاد می‌آورند و در پی آن میزان روان‌رنجورگرایی آنها بالاتر می‌رود. اما افرادی که نگاه خوش‌بینانه‌تری دارند با قرارگرفتن در یک موقعیت منفی یا شرایط ناعادلانه سعی می‌کنند، بیشتر روی پیامدهای مثبتی که این شرایط برای آنها دارد متمرکز شوند؛ به همین دلیل شرایط را خیلی تهدیدآمیز تلقی

¹Bastounis

میان، باور به دنیای عادلانه یک نمونه از اسنادهای علی است که در تبیین وقایع ناعادلانه‌ای که برای خود شخص و دیگران رخ می‌دهد، سهم به‌سزایی دارد. چنین باوری موجب شود در بیشتر مواقع، حوادث خوشایند به عوامل درونی نسبت داده شود (رایس و ترافمو، ۲۰۱۱) و افراد شرایط را بیشتر در کنترل خودشان بدانند؛ در نتیجه عاطفه مثبت بیشتری را احساس می‌کنند و به دنبال آن میزان سازگاری، بهزیستی ذهنی و رضایت از زندگی آنها افزایش و میزان روان‌رنجوری آنها کاهش می‌یابد (دزوکا و دالبرت، ۲۰۰۶).

از آنجا که پژوهش حاضر تنها درباره دانشجویان دختر دانشگاه سمنان انجام شده است، به منظور از بین بردن محدودیت تعمیم‌دهی نتایج پیشنهاد می‌شود این پژوهش در موقعیت‌های دیگر و هم‌چنین بین دو جنس اجرا شود. به علاوه پیشنهاد می‌شود سایر متغیرهای فردی و اجتماعی که با باور به دنیای عادل و سبک اسناد رابطه دارند، در پژوهش‌های بعدی بررسی شوند. با توجه به این‌که در پژوهش‌های قبلی نشان داده شده است که سبک اسناد با برخی از اختلالات روانی هم‌چون افسردگی ارتباط دارد، پیشنهاد می‌شود که الگوی تعاملی گرایش شخصیتی برون‌گرا و روان‌رنجور، سبک اسناد و اختلالات روانی مطالعه شود.

چنانچه در مقدمه نیز ذکر شد، یافته‌های این پژوهش در حوزه تغییر نگرش بااهمیت و پرکاربرد است؛ زیرا با آگاهی از شیوه‌ها و سبک‌های تبیینی افراد با باور به دنیای عادلانه در نوع سبک اسنادی افراد برای رویارویی با وقایع اطراف تغییر ایجاد می‌شود و باور افراد نسبت به زندگی در یک دنیای

است؛ زیرا افراد روان‌رنجور تمایل بیشتری به استفاده از اسناد بیرونی دارند (فاکس، دوکونینگ و لشت^۱، ۲۰۰۲). علاوه بر این تفاوت این دو گروه در بعد مثبت عمومی از گرایش روان‌رنجورها به استفاده از تبیین‌های بدبینانه از پیامدهای منفی ناشی می‌شود. آنها پیامدهای منفی را به خودشان نسبت می‌دهند و در شرایط منفی، عصبی‌تر از گروه گواه هستند؛ زیرا اضطراب و افسردگی بیشتری احساس می‌کنند که این به دلیل ایجاد عاطفه منفی ناشی از کاربرد اسنادهای افسرده‌وار است.

در بعد مثبت درونی، مثبت باثبات و مثبت عمومی، برون‌گراها در مقایسه با روان‌رنجورها تفاوت معنی‌داری نشان داده‌اند و میزان این تفاوت در مثبت عمومی بیشتر است. در تبیین یافته حاضر چنین به نظر می‌رسد که از نظر برون‌گراها پیامدهای مثبت، پایدار خواهد بود و دوباره اتفاق خواهد افتاد؛ برای همین از دیدگاه مثبت‌تری نسبت به دنیا برخوردار هستند. هم‌چنین بیشتر تمایل دارند نتایج مثبت را به خودشان نسبت بدهند. استفاده از اسناد درونی در آنها عاطفه مثبت تولید می‌کند و موجب می‌شود حتی با قرارگرفتن در شرایط منفی، دید خوش‌بینانه‌تری داشته باشند و برای موقعیت‌های منفی، ثبات و عمومیت کمتری در نظر می‌گیرند (چنگ و فرنهام، ۲۰۰۱).

همان‌طورکه پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد، انسان‌ها در تعاملات اجتماعی خود با استفاده از اطلاعات موجود (صفات شخصیتی و عوامل محیطی) چرایی رویدادها و دلیل رفتارها را کشف می‌کنند؛ به این ترتیب دنیای قابل پیش‌بینی و کنترلی را برای خودشان ایجاد می‌کنند. در این

^۱ Dzuka & Dalbert

^۱ Fox, De Koning & Leicht

عامل شخصیتی با رضایت زناشویی، مجله دانشور رفتار، ۷ (۴۳)، ۵۷-۶۶.
 کارور، سی. اس. و شی‌یر، ام. اف. (۱۳۸۷)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

کیامهر، ج. (۱۳۸۱)، هنجاریابی فرم کوتاه پرسش‌نامه پنج عاملی نئو و بررسی ساختار عاملی آن در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد سنجش و یادگیری، دانشگاه تهران.

گل‌پرور، م. و عریضی، ح. ر. (۱۳۸۶)، اعتباریابی پرسش‌نامه‌های باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ۲۵ (۴)، ۲۱۲-۱۹۳.

گل‌پرور، م. و واتقی، ز. (۱۳۸۹)، اسناد تعدیل‌کننده رابطه باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه در دانش‌آموزان دختر، تازه‌های علوم شناختی، ۱۲ (۴)، ۱۲-۱.

گل‌پرور، م.؛ برازنده، ا. و جوادیان، ز. (۱۳۹۳)، رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه و باورهای جبران عدالت، مجله دانشور رفتار، ۱۲ (۱۰)، ۷۴-۶۱.

گل‌پرور، م.؛ کامکار، م. و جوادی، س. (۱۳۸۶)، رابطه باور به دنیای عادلانه برای دیگران و خود با سلامت عمومی، رضایت از زندگی، عاطفه مثبت و منفی و افکار خودکار، دانش و پژوهش در روان‌شناسی، ۸ (۳۱)، ۶۸-۳۹.

مک‌کری، آر. و کوستا، تی. (۱۳۸۱)، شخصیت در بزرگسالی، ترجمه میرتقی گروسی فرشی و فرهاد ماهر، تهران: نشر جامعه‌پژوه.

عادلانه تغییر می‌کند تا میزان سازگاری افراد در تأثیر قرار گیرد و در پی آن احساس امنیتی که از تصور زندگی در یک دنیای منصف ایجاد می‌شود، نیز تغییر کند.

منابع

پروین، ال. و جان، ا. (۱۳۸۱)، شخصیت (نظریه و پژوهش)، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، تهران: نشر آبیژ.

حاتمی، ح. ر.؛ محمدی، ن.؛ ابراهیمی، م. و حاتمی، م. (۱۳۸۹)، رابطه منبع کنترل و ویژگی‌های شخصیت، مجله اندیشه و رفتار، ۵ (۱۸)، ۳۰-۲۱.

خورسندی، ف. (۱۳۸۹)، رابطه پنج عامل عمده شخصیت و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی در دانش‌آموزان دختر و پسر شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۶-۸۷، رویکردهای نوین آموزشی، ۵ (۲)، ۴۶-۴۱.

رجبی، غ. و شهنی ییلاق، م. (۱۳۸۴)، اثرات جنسیت و رشته تحصیلی بر سبک‌های اسنادی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز و یافته‌های روان‌سنجی مقیاس، مجله اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۴ (۲۲)، ۳۲-۱۵.

علی‌بالایی، م. (۱۳۹۳)، رابطه بین سلامت عمومی و سبک‌های اسنادی و مقایسه آن در دانشجویان دختر و پسر سال اول و آخر دانشگاه در رشته‌های مختلف، پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۴ (۷)، ۱۴۵-۱۵۶.

قلی‌زاده، ز.؛ برزگری، ل.؛ غریبی، ح. و باباپورخیرالدین، ج. (۱۳۸۹)، بررسی رابطه پنج

- Fox, S., De Koning, E. & Leach, S. (2002), The relationship between attribution of blame for a violent act and EPQ-R sub-scales in male offenders with mental disorder. *Journal of Personality and Individual Differences*, 34 (8), 1467-1475.
- Furnham, A. (2003), Belief in just world: Research progress over the past decade. *Journal of Personality and Individual Differences*, 34 (5), 795-811.
- Furnham, A. & Gunter, B. (1984), Just world beliefs and attitudes towards the poor. *British Journal of Social Psychology*, 23 (3), 265-269.
- Hafer, C. L. & Be`gue, L. (2005), Experimental research on just-world theory: problems, development and future challenges. *Psychological Bulletin*, 131 (1), 128-167.
- Hafer, C. L. & Suttoe, R. (2016), Belief in Just World. In Sabagh, C. & Schmitt, M. (Eds), *Handbook of Social Justice Theory and Research* (145-160), New York: Springer.
- Hafer, C. & Correy, B. L. (1999), Mediators of the relation between beliefs in a just world and emotional reactions to negative outcomes, *Social Justice Research*, 12, 189-204.
- Harper, D. J. (1996), Accounting for poverty: From attribution to discourse. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 6 (4), 249-265.
- Hayden, J. (2005), A comparative study of advanced placement and learning differenced students: Comparing internal attribution and correlation to hopefulness. The requirements for the degree of Master of Science (Educational Psychology), University of North Texas.
- Hergovich, A., Ratky, E. & Stollreiter, M. (2003), Attitudes toward HIV-positives in dependence on their sexual orientation. *Swiss Journal of Psychology*, 62 (1), 37-44.
- Karuz, J. & Carey, T. (1984), Relative preference and addictiveness of behavioral blame for observers of rape victims. *Journal of Personality*, 52 (3), 249-260.
- Lambert, A. J., Burroughs, T., Nguyen, T. (1999), Perception of risk and the buffering hypothesis: The role of just world beliefs and right wing authoritarianism. *Personality and social psychology Bulletin*, 25 (6), 643-656.
- ویگ، ب. ه. (۱۳۸۸)، اختلال شخصیت، ترجمه عطاءالله محمدی، تهران: انتشارات ارجمند.
- Adler, M., Kissel, C. & McAdams, P. (2006), Emerging from the CAVE: Attributional Style and the Narrative Study of Identity in Midlife Adults. *Cognitive Therapy and Research*, 30 (1), 39-51.
- Begue, L., Bastounis, M. (2003), Two Spheres of Belief in Justice: Extensive support for the bi-dimensional model of belief in a just world. *Journal of Personality*, 71 (3), 435-463.
- Begue, L., Muller, D. (2006), Belief in a just world as moderator of hostile attributional bias. *British Journal of Social Psychology*, 45 (1), 117-126.
- Bennett, k. (2008), Just world jurors. *The Jury Expert*, 20 (4), 35-44.
- Carli, L. (1999), Cognitive reconstruction, hindsight and reactions to victims and perpetrators. *Personality and social bulletin*, 25 (8), 966-979.
- Cheng, H. & Furnham, A. (2001), Attributional style and personality as predictors happiness and mental health. *Journal of Happiness Studies*, 2 (3):307-327.
- Dalbert, C. & Wolfradt, U. (2003), Personality, values and belief in a just world. *Journal of Personality and Individual Differences*, 35 (8), 1911-1918.
- Dalbert, C. (2002), Belief in a just world, In M. R. Leary & R. H. Hoyle (Eds.), *Handbook of Individual Differences in Social Behavior*, (288-297), New York: Guilford Publications.
- Dalbert, C., Lipkus, M., Sallay, H. & Goch, I. (2001), A just and an unjust world: structure and validity of diferent world beliefs. *Journal of Personality and Individual Differences*, 30 (4), 561-577.
- Dzuka, J. & Dalbert, C. (2006), The belief in a just world's impact on subjective well-being in old age. *Aging and Mental Health*, 10, 439-444.
- Dzuka, J. & Dalbert, C. (2006), The belief in a just world's impact on subjective well-being in old age. *Aging and Mental Health*, 10, 439-444.
- Fetchenhauer, D., Jacobs, G. & Belschak, F. (2005), Belief in a Just World, Causal Attributions and Adjustment to Sexual Violence, *Social Justice Research*, 18 (1), 25-42.

- Emerging perspectives on ideology, justice and intergroup relations, (157–175), Cambridge, MA: Cambridge University Press.
- Peterson, C. & Seligman, M. E. P. (1984), Content Analysis of verbatim explanations. Unpublished manuscript, University Of Pennsylvania, Philadelphia.
- Rice, S. & Trafimow, D. (2011), It's a Just World No Matter Which Way You Look at It. *The Journal of General Psychology*, 138 (3), 229–242.
- Sutton, R. M., Douglas, K. M., Wilkin, K., Elder, T. J., Cole, J. M. & Stathi, S. (2008), Justice for whom exactly? Beliefs in justice for the self and various others. *Personality and social psychology Bulletin*, 34(4), 528-541.
- Todd, L., Ludmila, Z., Craig, A. W. & Sheldon, A. (2013), Procedural and Distributive Justice Beliefs for Self and Others: Multilevel Associations with Life Satisfaction and Self-Rated Health. *Journal of Happiness Studies*, 14 (4), 1325 – 1341.
- Walster, E. (1966), Assignment of responsibility for an accident. *Journal of personality and social psychology*, 3 (1), 73-79.
- Lench, H., Chang, E. (2007), Belief in an unjust world: when belief in just world fail. *Journal of personality assessment*, 89 (2), 126-135.
- Lerner (1980), *The Belief in a Just World: A Fundamental Delusion*. Plenum: New York.
- Lerner, M. J. (1965), Evaluation of performance as a function of performer's reward and attractiveness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 1 (4), 355-360.
- Lipkus, I. M., Dalbert, C. & Siegler, I. C. (1996), The importance of distinguishing the belief in a just world for self versus for others: Implications for psychological well-being. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 22 (7), 666–677.
- Manusov, V. & Spitzberg, B. H. (2008), Attributes of attribution theory: Finding good cause in the search for theory. In D. O. Braithwaite & L. A. Baxter (Eds.), *Engaging theories in interpersonal communication* (37-49), Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Nudelman, G. (2013), The Belief in a Just World and Personality: A Meta-analysis. *Social Justice Research*, 26 (2), 105-119.
- Olson, J. M. & Hafer, C. L. (2001), Tolerance of personal deprivation. In J. T. Jost & B. Major (Eds.), *the psychology of legitimacy*:

